

## تولیب چیست؟

### رابرت رتول

تولیب، محبت خدا، و درک نجات که قرن‌ها قدمت دارد، چه وجه اشتراکی دارند؟ همه‌ی آنها در آنچه به عنوان پنج نکته‌ی کلونیسیم شناخته می‌شود منعکس شده‌اند.

این موارد چگونه به هم مرتبط هستند؟ کلمه‌ی تولیب یک کلمه‌ی مخفف است و خلاصه‌ای از نجاتی را به ما ارائه می‌دهد که در مرکز آن محبت خدا قرار دارد. بیایید ببینیم این کلمات چگونه در کنار هم قرار گرفته‌اند.

### تباهی کامل

حرف «ت» مخفف تباهی کامل است که چگونگی تأثیر گناه را بر انسان‌ها توضیح می‌دهد. اما برای درک این موضوع، باید پیش از ورود گناه به جهان شروع کنیم. خدای تثلیث ما، از ازل به عنوان پدر، پسر و روح القدس وجود داشته، از نظر قدرت و جلال برابر می‌باشد و از رابطه‌ای ازلی و ابدی بر مبنای محبت مقدس برخوردار است. این محبت مقدس انگیزه‌ی تصمیم آزادانه‌ی خدا برای خلق جهان و زن و مرد به صورت خود بود تا ایشان او و یکدیگر را محبت کنند. اما آدم تصمیم گرفت خالقمان را رد کند، و در اثر نافرمانی آدم، بشر در گناه سقوط کرد (پیدایش ۳؛ رومیان ۵: ۱۲-۲۱). تباهی کامل اینطور تعلیم می‌دهد، که گناه آنقدر ما را منحرف و از فیض خدا دور کرده که چیزهای دیگر را بیش از خدا دوست داریم. ذهن، بدن، احساسات، روحیه و تمام قسمت‌های ما تحت تأثیر گناه قرار گرفته و به خواست خودمان نمی‌توانیم از این مخمصه فرار کنیم. با این حال، خدا از محبت به مخلوقات خود دست برنداشته است (یوحنا ۳: ۱۶). و در محبت خود، گناه را مهار می‌کند و ما را از بد بودن تا حد ممکن باز می‌دارد. بنابراین، حتی کسانی که مسیح را نمی‌شناسند، می‌توانند کارهایی انجام دهند که در ظاهر خوب است. آنها می‌توانند همسایگان خوبی باشند، فرزندان خود را دوست داشته باشند و غیره. اما خارج از فیض، هیچ یک از ما این کارها را با انگیزه درست برای محبت به خدا و جلال او انجام نمی‌دهیم.

### برگزیدگی بی‌قید و شرط

حرف دوم یعنی «و»، مخفف انگلیسی برگزیدگی بی‌قید و شرط می‌باشد که بخشی از راه حل خدا برای تباهی کامل ماست. سقوط در گناه، مطمئناً خدا را غافلگیر نکرد. او از ابتدا می‌دانست سرانجام چه می‌شود و از تاریخ به عنوان بخشی از نقشه و اهداف خود برای همه چیز استفاده کرده است (اشعیا ۴۶: ۸-۱۱؛ افسسیان ۱: ۱۱). خدا حق داشت که ما را در حالت گناه و بیگانگی از خود نگه دارد، اما تصمیم گرفت که محبت خاص خود را شامل حال قوم خود کند و آنها را باز خرید و موقعیت آنها را به عنوان فرزندان خدا بازگرداند. برگزیدگی بی‌قید و شرط، انتخاب محبت آمیز خداست که گناهکارانی را برگزیند، بدون اینکه نیکویی در آنان بیابد (رومیان ۹: ۱-۲۹). محبت نجات بخش او نسبت به ما، به هوش، ظاهر، محبت، جایگاه اجتماعی یا هیچ

چیز دیگری در ما وابسته نیست. او فرزندانش را دوست دارد نه به این خاطر که نسبت به دیگران کمتر گناهکار هستند. همه‌ی فرزندان آدم و حوا (به جز مسیح) گناهکار هستند. مطابق با برگزیدگی بی‌قید و شرط، خداوند برخی از مردم را نجات می‌دهد و از برخی دیگر می‌گذرد. او نسبت به بعضی از افراد محبتی دارد که نسبت به دیگران ندارد. اگر مسیحی هستید، به این دلیل است که از ازل، پیش از آنکه متولد شوید، خدا شما را برگزیده تا محبت نجات بخش خود را شامل حال شما گرداند. او شما را انتخاب نکرد چون از دیگران بهتر بودید. او به این دلیل شما را انتخاب نکرد که می‌دانست اگر به شما فرصت دهد، او را انتخاب می‌کنید. او صرفاً شما را برای محبت کردن برگزید و از آنجایی که محبت او به هیچ چیزی در شما مشروط نیست، هرگز از محبت به شما دست نخواهد کشید.

### کفاره‌ی محدود

حرف دوم، «ال» مخفف کفاره‌ی محدود می‌باشد که قصد خدا از مرگ مسیح برای نجات بخشیدن را توصیف می‌کند. سؤال اینجاست که آیا مسیح می‌خواست برای گناهان همه‌ی آنانی که تا به حال زندگی کرده‌اند کفاره دهد، یا قصد داشت این کار را فقط برای برگزیدگان انجام دهد؟ به بیان دیگر، آیا خدا به طور کلی مردم را دوست داشت، بدون اینکه آنان را به عنوان افراد خطاب کرده و مسیح را بفرستد تا بمیرد و نجات را فراهم نماید؟ یا اینکه خدا افراد خاصی را دوست داشت و پسرش را فرستاد تا به طور مشخص برای آنها بمیرد و برای گناه آنها کفاره دهد، به طوری که مرگ مسیح در واقع نجات یک قوم خاص را تضمین می‌کند؟

کفاره‌ی محدود عدالت الهی را ایجاب می‌کند. اگر گناه کفاره شده است، بنابراین داوری بر علیه آن اتفاق افتاده است و خدا دیگر از آن بر علیه ما استفاده نمی‌کند. اما بی‌ایمانی یک گناه است، بنابراین اگر مسیح برای همه‌ی گناهکاران مرد، چگونه خدا می‌تواند بی‌ایمانی را بر علیه کسی داوری کند؟ پس مسیح برای همه کفاره شد. اما خداوند کافران را به جهنم می‌فرستد و اگر گناهشان کفاره شده است، این ظلم است. او گناهی را بر علیه آنها جهت داوری نگه داشته که نمی‌توان از آن بر علیه آنها استفاده کرد، زیرا مسیح برای آن کفاره شده است.

کتاب مقدس، به صراحت درباره‌ی کفاره محدود تعلیم داده است. بر اساس عهد قدیم، در روز کفاره، کاهن اعظم اسرائیل یک قربانی کفاره فقط برای قوم اسرائیل تقدیم می‌کرد، نه برای همه افراد روی کره زمین (لاویان ۱۶). در عهد جدید، عیسی به ما می‌گوید که جان خود را فقط برای گوسفندانش می‌دهد (یوحنا ۱۰: ۱-۱۸). برخی از مردم گوسفند او نیستند بلکه بز هستند. عیسی نه برای بزها، بلکه برای گوسفندان - قوم خود - جان خویش را بخشید. باید توجه داشته باشیم که برخی به کفاره‌ی محدود به دلیل متونی مانند اول یوحنا ۲: ۲ که می‌گوید عیسی کفاره نه تنها گناهان ما، بلکه «تمام جهان» را پرداخت کرده است، معترض هستند. با این حال، این متن در مورد قصد کفاره صحبت نمی‌کند. بلکه به طور کلی‌تر، به راه نجات اشاره دارد. خدا تنها یک راه نجات را فراهم کرده است، یعنی از طریق مسیح (یوحنا ۱۴: ۶) اگر قرار است کسی در جهان نجات یابد، این

نجات از طریق او خواهد بود. راه دیگری وجود ندارد. نکته‌ی یوحنا ۲: ۲ این است که مسیح تنها کفارهای است که می‌تواند هر کسی را نجات دهد، نه اینکه او برای گناهان هر فردی کفاره شده است.

### فیض مقاومت‌ناپذیر

حرف «ی»، ابتدای کلمه‌ای انگلیسی است به معنای فیض مقاومت‌ناپذیر که به قدرت محبت‌آمیز خدا در نجات اشاره دارد. این فیض اساساً می‌گوید که اگر خدا شما را دوست داشته باشد و شما را به‌عنوان عضوی در خانواده‌ی خود بخواهد، قطعاً شما را به دست می‌آورد. او آنقدر شما را دوست دارد که مطمئن می‌شود که ایمان خواهید آورد و آنقدر قدرتمند است که ایمان شما را تضمین کند. خیلی وقت‌ها در زندگی افرادی را دوست داریم که به راه اشتباه می‌روند و نمی‌توانیم آنان را مجاب کنیم که از آن مسیر برگردند. قدرت این را نداریم که مطمئن شویم که انتخاب درستی داشته باشند. خدا می‌تواند بر تمام مقاومتی که نشان می‌دهیم، غلبه کند و او از مجاب کردن برگزیدگان برای اعتماد به او، شکست نمی‌خورد. مطمئناً ممکن است برای مدتی در برابر مسیح مقاومت کنیم. شاید سال‌ها قبل از ایمان آوردن به انجیل، آن را رد کنیم. به همین دلیل شاید بهتر باشد از فیض مقاومت‌ناپذیر یا فیض مؤثر صحبت کنیم. با این حال، وقتی همه چیز گفته و انجام شود، خداوند همه‌ی فرزندان را به ایمان هدایت خواهد کرد.

احتمالاً می‌توانید درک کنید که برگزیدگی بی‌قید و شرط لازمی این امر است. اگر خدا عده‌ای را برای نجات انتخاب کند و این اراده به انجام نرسد، فیض او باید در نهایت مقاومت‌ناپذیر باشد. باید مؤثر باشد تا ما را به ایمان سوق دهد. شواهد آن را در متونی نظیر یوحنا ۶: ۳۷-۴۰ می‌یابیم که در آن به ما گفته شده که هر کسی را که پدر برای نجات به مسیح عطا کند، نزد او می‌آید. افسسیان ۲: ۱-۱۰ نیز به ما می‌گوید که خدا افرادی را که در گناه مرده‌اند زنده می‌کند. رستخیز مستلزم یک قدرت مؤثر است زیرا مردگان نمی‌توانند با ایمان پاسخ دهند. خدا باید به طور مؤثر عمل کند تا قبل از اینکه ایمان بیاوریم به ما قلب جدیدی بدهد زیرا ما نمی‌توانیم در حالی که در گناه مرده‌ایم با او همکاری کنیم. متون دیگری که به فیض مقاومت‌ناپذیر خدا اشاره می‌کنند عبارتند از پیدایش ۱۲: ۱-۳، جایی است که خدا به ابراهیم دستور می‌دهد که از اور خارج شود و ابرام نیز در ترک آن تردید نمی‌کند. آنچه خدا مقدر می‌کند، اتفاق می‌افتد.

در مجموع، فیض مقاومت‌ناپذیر این حقیقت را حفظ می‌کند که خدا نه تنها محبت مطلق، بلکه قادر مطلق نیز هست. محبت او به اندازه‌ای قوی است که نجات همه‌ی کسانی را که می‌خواهد نجات یابند، تضمین می‌کند. محبت او برای قومش، از قدرتی بی‌نهایت برخوردار است.

### پایداری مقدسین

حرف «پ» به پایداری مقدسین اشاره دارد که محبت نجات‌بخش و همیشگی خدا نسبت به قومش را تعلیم می‌دهد. خداوند هرگز از محبت نجات‌بخش و موثر خویش نسبت به قومش باز نمی‌ایستد. در نتیجه، همه‌ی کسانی که حقیقتاً به او ایمان دارند،

از ایمان نخواهند افتاد. شاید برای مدتی به نظر برسد که ایمانداران حقیقی به مسیح او را برای مدتی ترک کرده‌اند، اما اگر واقعاً به او ایمان داشته باشند، همیشه به او باز خواهند گشت. کسانی که به ایمان اعتراف می‌کنند اما در نهایت سقوط می‌کنند، از همان ابتدا هرگز به مسیح ایمان نیاوردند. «از ما بیرون شدند، لکن از ما نبودند» (اول یوحنا ۱۹: ۲).

دوباره، نکات الهیاتی دیگری نظیر برگزیدگی بی‌قید و شرط مستلزم آموزه‌ی امنیت ابدی و پایداری مقدسین هستند. اگر خدا بنا بر انتخاب خود، برگزیدگان را نجات دهد، آنان باید پایدار باقی بمانند. این تعلیم به‌وضوح در کتاب مقدس ذکر شده است. مسیح می‌گوید که هیچکس نمی‌تواند آنان را از دستان پدر بگیرد (یوحنا ۱۰: ۲۹). «هیچکس» یعنی حتی ما- حتی ما نیز نمی‌توانیم خودمان را از دستان او بگیریم. رومیان ۸: ۲۸-۳۰ می‌گوید هر کسی که خدا او را عادل بشمرد، جلال نیز می‌دهد. از آنجایی که عادل شمردگی فقط در نتیجه‌ی ایمان است (رومیان ۴)، اگر خدا همه‌ی کسانی را که عادل می‌شمارد، جلال دهد، تمام کسانی را که ایمان نجات بخش دارند را نیز جلال می‌دهد. خلاصه اینکه خدا آنقدر ما را دوست دارد که اجازه نمی‌دهد از فیض او خارج شویم. او اجازه‌ی این کار را به ما نمی‌دهد.

همان‌طور که می‌بینید، تالیپ با پنج نکته‌ی کلونیسیم، کار نجات‌بخش خدا را خلاصه کرده و بر قدرت بی‌نهایتِ محبت خدا تاکید می‌کند. مسیحیان می‌توانند مطمئن شوند که اگر ایمان داشته باشند، این ایمان به خاطر کار خداست و به شکست نمی‌انجامد زیرا محبت او شکست‌ناپذیر است.

**رابرت زُنول** دستیار ویراستار مجله‌ی تیبلتاک، نویسنده‌ی ارشد سازمان لیگونیر، و استاد معین در ریفورمیش بایبل کالج است.

این مقاله در وبسایت لیگونیر منتشر شده است.

این مقاله بخشی از مجموعه‌ی «تالیپ چیست؟» می‌باشد.